

تحلیل الگوی مدیریت امام حسین علیه السلام در نظارت و کنترل از منظر قرآن

سید علی اصغر علوی^۱، علی رضاییان^۲، علی آقا صفری^۳

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۰۷/۱۴ - تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۱۰/۱۱)

چکیده

نظارت و کنترل، یکی از وظائف مهم مدیران در سازمان است. این مفهوم در سیره مدیریتی امام حسین علیه السلام جایگاه ویژه‌ای دارد که ریشه‌های آن را در آموزه‌های قرآن باید جست. پژوهش حاضر بر آن است با استفاده از روش اجتهادی (تحلیلی استنباطی)، تحلیلی از نظارت و کنترل امام حسین علیه السلام ارائه نماید. این پژوهش برای جمع‌آوری اطلاعات، از روش اسنادی بهره برده‌است. در این پژوهش، نخست نظارت و کنترل به‌عنوان یکی از وظایف مدیریت مورد بررسی و تبیین قرار گرفته، سپس سیره مدیریتی امام حسین علیه السلام در نظارت و کنترل بیان شده و در ادامه مستندات و مبانی قرآنی آن حضرت، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. ره‌آوردهای پژوهش نشان داد که در مدیریت امام حسین علیه السلام، توجه به دو عرصه نظارت و کنترل (نظارت بیرونی و هم‌توجه به نظارت درونی) دیده می‌شود. نظارت‌های بیرونی در مدیریت امام حسین علیه السلام را در چهار دسته (خانوادگی، جمعی تشکیلاتی، حاکمیتی و همگانی) می‌توان دید، اما بهترین نوع نظارت را در این مکتب، نظارت بر خود است. از دیگر دستاوردهای این تحقیق عنایت ویژه به نظارت درونی و توجه محوری به مفهوم

۱. دکتری تخصصی قرآن و علوم گرایش مدیریت جامعه المصطفی العالمیه، قم (نویسنده مسئول)؛

modirekarbala313@chmail.ir

a-rezaeian@sbu.ac.ir

a.a.safari1364@gmail.com

۲. استاد دانشکده مدیریت و حسابداری دانشگاه شهید بهشتی، تهران؛

۳. استادیار قرآن و علوم (گرایش مدیریت)، جامعه المصطفی العالمیه، قم؛

«حضور» و بررسی ریشه‌های قرآنی و عاشورایی آن است که این رویکرد برای مدیران بسیار الهام‌بخش و اثرگذار خواهد بود.

کلید واژه‌ها: قرآن کریم، امام حسین علیه السلام، مدیریت قرآن بنیان، مدیریت اسلامی، نظارت و کنترل.

مقدمه

شاید، به جرئت بتوان ادعا کرد که انجام هیچ فعالیتی در سازمان، قرین توفیق نخواهد بود، مگر آن‌که کنترل‌های لازم نسبت به آن عمل آمده باشند. به کمک کنترل است که مدیریت نسبت به نحوه تحقق هدف‌ها و انجام عملیات آگاهی می‌یابد و قدرت پیگیری و عنداللزوم سنجش و اصلاح آن‌ها را پیدا می‌کند (الوانی، ۱۳۸۵: ۱۱۹). کنترل و نظارت ابزار سنجش و شناخت انحرافات است (میرکمالی، ۱۳۹۲: ۲۸۸). کنترل ابزار کار مدیران در رده‌های مختلف سازمان از مراتب عالی تا رده‌های سرپرستی است و لزوم آن در مراتب مختلف به سادگی احساس می‌شود. سازمان بدون وجود یک سیستم مؤثر کنترل در تحقق مأموریت‌های خود موفق نیست و نمی‌تواند از منابع خود به درستی استفاده کند (الوانی، ۱۳۸۵: ۱۱۹).

نظارت و کنترل به دلایل فراوانی، ضروری است؛ یکی از ضرورت‌ها، وجود اراده انسان مبنی بر باقی ماندن بر تصمیم‌هاست. انسان وقتی تصمیم می‌گیرد، می‌خواهد آن را به مرحله اجرا درآورد و نتایج آن یا حل مسئله را تجربه نماید. از زمان تصمیم‌گیری تا رسیدن به نتیجه، ممکن است مدتی طول بکشد. در طول این زمان، وقایع و حوادث زیادی رخ می‌دهد که هرکدام ممکن است برنامه و عملیات را از مسیر خود منحرف سازد. این وقایع ممکن است تغییر در نیروها، امکانات، منابع و بودجه و حتی مدیریت‌ها باشد که سبب تغییرات یا انحرافات شوند (میرکمالی، ۱۳۹۲: ۲۸۸).

این پژوهش، ابتدا به تبیین این مفهوم می‌پردازد، سپس سیره مدیریتی امام حسین علیه السلام را در نظارت و کنترل بیان می‌نماید و در ادامه، مستندات قرآنی نظارت و کنترل حضرت را در قرآن بررسی می‌کند.



۱. پیشینه پژوهش

درباره امام حسین علیه السلام، پژوهش‌های متعددی انجام گرفته است. از آن‌جا که کمتر به سیره مدیریتی حضرت اباعبدالله الحسین، به‌ویژه با ابتدای مبانی قرآنی پرداخته شده است؛ این پژوهش تلاش دارد به‌مبحث برنامه‌ریزی که یکی از وظایف مدیریت است، به‌عنوان مسئله‌ای در سیره حضرت توجه نماید. درباره نسبت «قرآن و امام حسین» پژوهش‌های مختلفی صورت گرفته است؛ مانند

مبانی قرآنی قیام امام حسین (پایان‌نامه کارشناسی ارشد، ۱۳۸۵)، سیاست باقراف، دانشکده مدرسه فقه و معارف اسلامی.

نگاهی قرآنی به نهضت عاشورا (پایان‌نامه کارشناسی ارشد، ۱۳۹۲)، رضا حسن‌نتاج، دانشکده علوم حدیث.

مبانی قرآنی و روایی قیام امام حسین علیه السلام با تأکید بر روایات آن حضرت (پایان‌نامه کارشناسی ارشد، ۱۳۸۶)، فاطمه به‌نژاد، دانشکده اصول دین تهران.

الهام‌گیری سیدالشهدا از قرآن در نهضت عاشورا (پایان‌نامه کارشناسی ارشد، ۱۳۷۸)، فرزانه محی، دانشکده علوم انسانی دانشگاه قم.

تجلی قرآن در ارزشهای حاکم بر قیام عاشورا (پایان‌نامه کارشناسی ارشد، ۱۳۸۹)، بلال منتظری زیوه، دانشکده اصول دین تهران.

تجلی در قرآن در رفتار و گفتار امام حسین (پایان‌نامه کارشناسی ارشد، ۱۳۹۰)، سمیه سلیمی‌بنی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه معارف قرآن و عترت.

بررسی سخنان امام حسین علیه السلام قبل از قیام عاشورا و تطبیق آن با آیات قرآن (پایان‌نامه کارشناسی ارشد، ۱۳۹۴)، مهناز قبانچیان، دانشکده اصول‌الدین شعبه دزفول.

تجلی آموزه‌های قرآن در سیره امام حسین با تأکید بر واقعه عاشورا (پایان‌نامه کارشناسی ارشد، ۱۳۸۹)، عبدالحسین جلالوند، دانشکده الهیات دانشگاه بین‌المللی امام خمینی.

از نقاط قابل توجه کارهای گذشته، توجه به حرکت امام حسین علیه السلام از منظر قرآن و عنایت به مبانی و جلوه‌های آن است، اما چنانکه ملاحظه می‌شود در پژوهش‌های پیشین، کمتر به سیره مدیریتی حضرت اباعبدالله الحسین، به‌ویژه با ابتدای مبانی قرآنی پرداخته

شده است و این پژوهش، این مهم را در نظر می‌گیرد و تلاش می‌کند که با مراجعه به گزاره‌های وحیانی قرآن کریم و با بهره‌گیری از ادبیات مدیریت الگوی برنامه‌ریزی امام حسین (ع) را کشف و استخراج نماید و بستر این نوع از تحقیقات را هموار سازد.

درباره نسبت «امام حسین و مدیریت» نیز پژوهش‌های مختلفی صورت گرفته است؛ مانند بررسی و مطالعه مؤلفه مدیریتی انگیزش در قیام امام حسین و ابعاد آن (محور مطالعه: انگیزش در واقعه کربلا) (پایان‌نامه کارشناسی ارشد، ۱۳۹۳)، فاطمه خنیفر، دانشکده اصول دین تهران.

طراحی الگوی رهبری با الهام از گفتگوهای امام حسین در مسیر کربلا (پایان‌نامه کارشناسی ارشد، ۱۳۹۱)، سید علی اصغر علوی، دانشکده معارف اسلامی و مدیریت دانشگاه امام صادق.

تبیین دلالت‌های حماسه حسینی در رشد سرمایه انسانی (پایان‌نامه کارشناسی ارشد، ۱۳۹۵)، سیدحسین خاکسار، دانشکده معارف اسلامی و مدیریت دانشگاه امام صادق.

این دسته دوم از پژوهش‌ها نیز بیشتر به مسائل مدیریتی از منظر موضوعات عاشورایی و شخصیت امام حسین (ع) ارتباط دارند.

کوتاه سخن، در یک‌نگاه کلی می‌توان این‌گونه جمع‌بندی کرد که پژوهش‌های موجود چه در موضوع امام حسین (ع) و عاشورا و چه در موضوع قرآن، کمتر وارد مسائل مدیریتی شده‌اند و در صورت پرداختن، اثری که به صورت مصداقی به وظایف مدیریت بر اساس سیره مدیریتی امام حسین (ع) و با استناد به آیات قرآن بپردازد یافت نشد. از این رو، پژوهش پیش‌رو با درک مسئله و خلأ موجود و کاربردی بودن مسئله به تجزیه و تحلیل کنترل و نظارت امام حسین (ع) در جریان عاشورا با استناد به داده‌های وحیانی قرآن کریم اقدام نموده است.

۲. مفهوم‌شناسی

۱-۲. تعریف کنترل

کنترل را به گونه‌های مختلف تعریف کرده‌اند. کنترل، فرایند بازبینی فعالیت‌ها برای

کسب اطمینان از انجام فعالیت‌ها بر طبق برنامه است (رابینز و دی سنزو، ۱۳۸۷: ۴۰۰). کنترل، فرایندی است که مدیر از طریق آن، تطابق عملیات انجام‌شده را با فعالیت‌های برنامه‌ریزی‌شده می‌سنجد؛ از این رو فرایند کنترل در برنامه‌ریزی فعالیت‌های یک‌سازمان برای نیل به اهداف اساسی به‌کار می‌رود؛ به این ترتیب، میزان پیشرفت در جهت اهداف و توان مدیریت در تشخیص طرح و اصلاح برنامه را قبل از آنکه دیر شود نشان می‌دهد؛ به عبارت دیگر کنترل، تلاش منظمی است در جهت رسیدن به اهداف استاندارد، طراحی سیستم بازخورد اطلاعات، مقایسه اجزاء واقعی با استانداردهای از پیش تعیین‌شده و سرانجام تعیین انحرافات احتمالی و سنجش ارزش آنها بر روند اجرایی که در برگیرنده حداکثر کارایی است. بنابراین می‌توان گفت کنترل، مقایسه بین «باید»ها و «هست»هاست (رضائیان، ۱۳۸۳: ۲۶۲).

مفاهیم «برنامه‌ریزی» و «کنترل»، معمولاً در کنار هم مطرح می‌شوند؛ زیرا مدیران در فراگرد کنترل، وضع موجود (عملکرد) را با وضع مطلوب (برنامه) مقایسه می‌کنند و بر اساس این مقایسه، به برنامه‌ریزی مجدد (تصحیح) مبادرت می‌کنند؛ یعنی با تشخیص «فاصله» وضع موجود با وضع مطلوب» یا تطبیق «عملکردها با اهداف»، به تصحیح انحراف‌ها می‌پردازند؛ به همین دلیل، معمولاً گفته می‌شود که کنترل با همه وظایف مدیریت ارتباط دارد، ولی ارتباط آن با فراگرد برنامه‌ریزی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (رضائیان، ۱۳۸۰: ۴۹۵). نقطه مشترک این تعریف‌ها بر مقایسه میان «باید»ها و «هست»ها و انجام اقدام اصلاحی متمرکز است؛ یعنی در کنترل باید میان هست‌ها «وضعیت موجود» و باید‌ها «اهداف و پیش‌بینی‌ها» مقایسه شود و در صورتی وجود همسویی و هماهنگی عملیات ادامه یابد. در جایی که انحراف و اختلافی مشاهده شود، باید اقدام اصلاحی انجام گیرد (توکلی، ۱۳۸۳: ۱۸۳).

۲-۲. انواع کنترل

در یک دسته‌بندی دو نوع کنترل را می‌توان تصور نمود:

الف) کنترل بیرونی

در اسلام، سه مرجع بر کارگزاران و مدیران حکومت اسلامی نظارت دارند؛ به عبارتی دیگر، مدیران در برابر این سه مسئول‌اند: خدا، امام و مردم. خدا نظارت مطلق بر کلیه اعمال و حرکات فرد و افراد دارد و اولین اعتقاد یک مسلمان، باورداشتن نظارت خدا در همه امور است که تمام حرکات و افعال او و حتی نیت‌هایش را ثبت می‌کند و اگر در این دنیا به پاداش و مجازاتش نرسد در جهانی دیگر به حسابش رسیدگی خواهد شد. این اولین رکن نظارت بیرونی در اندیشه درونی است. برای همین، هر مقدار اعتقاد افراد یک‌جامعه افزایش پیدا کند و ارزش‌ها درونی‌تر شده باشد، میزان خطا و جرم کاهش می‌یابد و کمتر نیاز به اهرم‌های نظارتی بعدی پیدا می‌شود (عباس‌نژاد و دیگران، ۱۳۹۰: ۴۲۳). به دنبال این نظارت، نظارت امام است. منظور از نظارت امام در اینجا، صرفاً نظارت مستقیم او نیست، بلکه علاوه بر آن، مجموعه وسائل و دستگاه‌هایی است که در یک‌جامعه برای نظارت بر کار افراد و جامعه به کار گرفته می‌شود و در حکومت اسلامی همه این دستگاه‌ها مشروعیتشان را از مقام امام و ولایت فقیه می‌گیرند (عباس‌نژاد و دیگران، ۱۳۹۰: ۴۲۴).

ب) خودکنترلی: انتخابی دیگر در کنترل

اگر افراد خودشان، خود را کنترل می‌کردند کار مدیریت تا چه اندازه سهل می‌شد. در چنین حالتی، کارگران بدون آنکه سرپرست بالای سرشان باشد، کارمندان بدون ترس از عواقب کنترل، و مدیران بدون آنکه به مسئله کنترل انتهای برنامه‌ها به وسیله مقامات عالی فکر کنند،... همه و همه وظایف خود را انجام می‌دادند و خود، خویشان را کنترل می‌کردند. آیا تحقق چنین وضعیتی عملی است؟ آیا می‌توان افراد را در سازمان در انجام وظایفشان خودکنترل کرد؟ شاید همه کوشش‌هایی که تاکنون در زمینه تلفیق هدف‌های فرد و سازمان انجام شده به طریق در پی تحقق این هدف بوده است. اما این کوشش‌ها چندان موفق نبوده و راه‌حل قطعی برای مسئله به‌شمار نمی‌آیند (الوانی، ۱۳۸۵: ۱۳۸-۱۳۹).

نوشته‌ها و پژوهش‌ها در زمینه مدیریت با توجه بسیار به اداره جوامع، سازمان‌ها، گروه‌ها و افراد صورت گرفته‌اند و با کمال تعجب تقریباً هیچ‌یک از آنها توجه به اداره مؤثرتر «خود» نکرده‌اند. گذشته از اینکه مدیریت خویشتن برای همگان یک ضرورت است، پیش‌نیاز اساسی مدیریت اثربخش بر افراد، گروه‌ها و جوامع نیز هست (رضائیان، ۱۳۹۰: ۱۸۶).

هدفی که در خود کنترلی دنبال می‌شود ایجاد حالتی درون فرد است که بدون کنترل یک عامل خارجی، او را به انجام وظایف متمایل سازد. انجام این هدف، جز از طریق کار فرهنگی برای افراد سازمان عملی نخواهد بود. به فرض، اگر بتوان افراد را از جهت وجدانی نسبت به انجام وظایفشان معتقد و ملزم نمود، بدون آنکه نیاز به کنترل خارجی باشد، آنها خود را وجدانا موظف می‌دانند که امور محوله را انجام دهند. اما فراتر از مسئله وجدان، پایه‌های اعتقادی اعضای سازمان و خودکنترل ساختن آن از این طریق است.

در اسلام، زمینه‌های اعتقادی به‌گونه‌ای است که بهترین بستر رشد برای خودکنترل ساختن افراد معتقد فراهم است و اعتقاد فرد مسلمان، بهترین کنترل‌کننده درونی برای او به‌شمار می‌آید. مسلمان معتقد به معاد و روز جزا، روزی که در آن اعمال فرد را جزا و پاداش می‌دهند، مسلماً دست به انجام عملی که انجام آن منع شده است، نخواهد زد. او خود را در مقابل خدای خود مسئول می‌پندارد، نه در مقابل رئیس و سازمان خود و کنترل‌های این جهانی. او به کنترل عاقبت کار و آن جهانی می‌اندیشد و بر این پایه و اساس است که خودکنترل می‌شود. فرد مسلمان معتقد، خدا را همواره حاضر و ناظر بر امور می‌داند؛ بنابراین چه کنترل باشد و چه نباشد، او احساس می‌کند که باید بر نفس خود مسلط باشد و از جاده صحت و درستی منحرف نشود (الوانی، ۱۳۸۵: ۱۳۸-۱۳۹).

تأکید بر وجود عدالت و تقوا در هرکس که دارای موقعیتی اجتماعی مدیریتی است و عهده‌دار امر دین و دنیای مردم است، نشانه اهتمام به نظارت درونی است؛ چراکه تنها عاملی که می‌تواند شخص صاحب قدرت را از اعمال زور و ظلم و بی‌عدالتی نسبت به خود یا دیگران باز دارد، همین نیروی بازدارنده کنترل درونی است (عباس‌نژاد و دیگران، ۱۳۹۰: ۲۲۵).

نظارت بیرونی با همه محاسنش نمی‌تواند هم‌پای نظارت درونی اشخاص صاحب قدرت را کنترل نماید. اگر از نظارت درونی صرف‌نظر شود، نظارت بیرونی به‌تسلسل می‌انجامد؛

چراکه هرناظر، محتاج به ناظر دیگری خواهد بود و این سلسله همچنان ادامه خواهد یافت، مگر اینکه به یک ناظر معصوم و دارای کنترل درونی ختم شود.

۳. روش پژوهش

روش تحقیق این مقاله، روش اجتهادی (تحلیلی استنباطی) است. در حوزه علوم اسلامی به هرتلاش در حوزه فهم مفاهیم دینی از متون گوناگون «اجتهاد» گفته می‌شود و مفهوم آن در لغت، منتهای تلاش و کوشش و جد و جهد در یافتن حقایق است (طریحی، ج ۳: ۳۳). مقصود از این لغت در اصطلاح اسلامی، بذل جهد و کوشش برای استنباط احکام شرعی فرعی از منابع فقه اسلامی است (آخوند خراسانی: ۶۳). به تعبیر دیگر، تلاش برای یافتن دلیل و حجت بر احکام شرعی را اجتهاد گویند (خویی، ج ۱: ۱۰). در این روش، براساس منابع چهارگانه (قرآن، سنت، عقل و اجماع) و با تأکید بر قرآن و سنت، به پژوهش پرداخته می‌شود. این تحقیق، برای جمع‌آوری اطلاعات از روش اسنادی کتابخانه‌ای (یادداشت‌برداری به صورت تحلیلی توصیفی) بهره می‌برد. همچنین پژوهش حاضر می‌کوشد تا با استفاده از روش «تحلیل محتوا» به‌پشتوانه متون قرآنی و عنایت به بیانات سیدالشهدا، برنامه‌ریزی حضرت را تحلیل و ارزیابی کند و تحلیلی قرآنی از آن ارائه نماید.

۴. تجزیه و تحلیل سیره مدیریتی امام حسین علیه السلام

در سیره مدیریتی امام حسین علیه السلام، توجه به دو عرصه نظارت و کنترل دیده می‌شود: هم توجه به نظارت بیرونی و هم توجه به نظارت درونی. از نظارت مستقیم در شب عاشورا و بررسی میدان (مانند داستان نافع بن هلال) و آزمون نیروها تا توجه به درونی‌ترین عرصه‌های کنترل و نظارت.

۴-۱. راهبردهای نظارت بیرونی

کنترل در حقیقت، ارتباط بین تمام مراحل است تا افراد احساس تعهد جدی تری کنند

و شاخص‌ها نقش کنترل‌کننده دارند. کنترل، به‌منظور آگاهی از انحراف احتمالی است و همین اطمینان از اینکه تلاش‌ها در جهت رسیدن به هدف‌ها به‌کار گرفته شده است. امام حسین (ع) به‌عنوان یک‌رهبر و مدیر مدبر، چه قبل از قیام و چه در حین قیام و حرکتشان، کنترل لازم را بر رفتار پیروان و عکس‌العمل دشمنان داشتند که به‌نمونه‌هایی در این زمینه اشاره می‌شود:

وقتی امام حسین (ع) در مکه بودند، در موسم حج، افرادی از طرف یزید مأمور شدند که در زیر لباس احرامی خود شمشیر به‌کمر بسته و امام را ترور کنند. امام علیه‌السلام چون از این توطئه مطلع شدند، تصمیم گرفتند حج را ناتمام گذاشته و از مکه خارج شوند و قبل از خروج از مکه به پسر زبیر گفتند: در مکه نمی‌مانم چراکه می‌ترسم مرا در حرم امن خدا بکشند و با کشته شدن من حرمت این خانه ضایع شود (ابن کثیر، ۱۴۰۷، ج ۸: ۱۵۹؛ ابن طاووس، ۱۳۴۸: ۸۲؛ کوشکی، ۱۳۸۱: ۸۲).

امام، دائماً افرادی را که همراه کاروان بودند، آزمایش می‌کردند تا افرادی باقی بمانند که نسبت به‌اهداف قیام و نتیجه آن آگاه بوده و ایمان کامل دارند؛ برای نمونه، در منزل «زباله»، امام اوضاع کوفه و بی‌وفایی کوفیان را برای همراهان خود تشریح کرده و فرمود: «شیعیان ما در کوفه دست از یاری ما برداشته‌اند، اکنون هرکس که می‌خواهد، بازگردد و...» (ابومخنف کوفی، ۱۴۱۷: ۱۶۶) که عده‌ای از اطراف امام پراکنده شدند. در شب عاشورا وقتی با صراحت فرمودند: «وقت شهادت است و با استفاده از تاریکی شب به سوی شهر خویش حرکت کنید»، نتیجه اظهار وفاداری اصحاب امام در برابر پرسش حضرت زینب از امام که: «آیا یاران خود را آزموده‌ای؟» این شد که: «أَمَا وَاللَّهِ! لَقَدْ نَهَرْتَهُمْ وَ بَلَوْتَهُمْ وَ لَيْسَ فِيهِمْ الْأَشْوَسَ الْأَفْعَسَ يَسْتَأْنِسُونَ بِالْمَمِيَّةِ دُونِي اسْتِئْثَاسَ الطِّفْلِ بِلَبَنِ أُمِّهِ» (شریفی و دیگران، ۱۳۸۳: ۴۶۰).

۲-۴. جایگاه نظارت و کنترل در آیات قرآن

نظارت خدا در مدیریت رحمانی، نظارتی کامل و همه‌جانبه است؛ به‌گونه‌ای که علاوه بر تمام فعل و انفعالات موجودات هستی، شامل چگونگی انجام مأموریت رسولان هم

می‌شود (قوامی، ۱۳۹۳: ۸۲). طبق آیات قرآن، نظارت همه‌جانبه پروردگار بر فعل و انفعالات موجود در سازمان هستی - اعم از مادی و معنوی - در پنج بعد صورت می‌پذیرد:

۱. نظارت بر آنچه در زمین فرو می‌رود و از آن سر بر می‌آورد؛

۲. نظارت بر آنچه از آسمان نازل می‌شود؛

۳. نظارت بر آنچه به آسمان صعود می‌کند؛

۴. همراهی با افراد در همه‌جا؛

۵. زیر نظر داشتن تمام اعمال بندگان. (قوامی، ۱۳۹۳: ۷۲-۷۳)

نظارت خدا بر چگونگی انجام مأموریت رسولان، توسط فرشتگانی صورت می‌گیرد که به فرمان او، پیامبران را از هرسو احاطه می‌کنند تا با صیانت از ایشان در برابر شر جن و انس، پیام الهی بدون کاستی و فزونی به بندگان ابلاغ شود.

یکی از اصلی‌ترین و کامل‌ترین آیات مربوط به نظارت و کنترل را این آیه می‌توان دانست:

«وَمَا تَكُونُ فِي شَأْنٍ وَمَا تَتْلُو مِنْهُ مِنْ قُرْآنٍ وَلَا تَعْمَلُونَ مِنْ عَمَلٍ إِلَّا كُنَّا عَلَيْكُمْ شُهُودًا إِذْ تُفِيضُونَ فِيهِ وَمَا يَعْزُبُ عَنْ رَبِّكَ مِنْ مِثْقَالِ ذَرَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَلَا أَصْغَرَ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْبَرَ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ» (یونس/۶۱)

مهم‌ترین شاخصه‌های نظارت در این آیه عبارت‌اند از:

۱. هم‌طراز بودن نظارت با نوع وظایف؛ به این معنا که هرچه وظیفه محول شده

خطیرتر باشد، نظارت باید دقیق‌تر صورت گیرد؛

۲. جامع بودن نظارت؛ به این صورت که نظارت الهی شامل افکار، گفتار و اعمال

انسان‌هاست؛

۳. تعدد سطوح نظارتی و انجام آن از راه‌های متعدد؛

۴. مستمر بودن نظارت؛

۵. ریزینی و دقت بسیار در نظارت؛ به گونه‌ای که حتی ذره‌ای از آن مخفی نمی‌مانند؛

۶. ثبت و بایگانی دقیق تمام نظارت‌های صورت گرفته. (نک: قوامی، ۱۳۹۳).

۳-۴. انواع نظارت بیرونی

نظارت بیرونی در مدیریت امام حسین علیه السلام را در چهار دسته می‌توان تقسیم‌بندی کرد:

الف) خانوادگی

در موارد مختلف که اوج آن را در روز عاشورا و اتفاقات ظهر عاشورا می‌توان دید که برجسته‌ترین آن نظارت ویژه به خانواده و اهل‌بیت و خیامشان در گودال قتلگاه است. به تعبیر زیارت ناحیه مقدسه: «تُدِيرُ طَرْفًا خَفِيًّا إِلَى رَحْلِكَ وَ بَيْتِكَ» (ابن المشهدی، ۱۴۱۹: ۵۰۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۸: ۳۲۲).

تحلیل قرآنی نظارت خانوادگی

«وَأَمْرٌ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَ اصْطَبِرْ عَلَيْهَا لَا نَسْأَلُكَ رِزْقًا نَحْنُ نَرْزُقُكَ وَ الْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى»
(طه/۱۳۲)

نکته‌ها و اشاره‌های تفسیری

از ابوسعید خدری نقل شده است که وقتی این آیه نازل شد، پیامبر اکرم مدّت نه ماه هنگام هرنماز پشت در خانه فاطمه و علی می‌آمد و صدا می‌زد: «الصلاة رحمکم الله»؛ وقت نماز است خدا شما را رحمت کند: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمُ تَطْهِيرًا» (احزاب/۳۳). (طبرسی، ۱۴۱۲، ج ۲: ۴۴۴؛ بحرانی، ۱۴۱۵، ج ۳: ۷۹۰).

تحلیل مدیریتی

روزی پروردگار را باید مورد توجه و نظر قرار داد و اکتفا به نصیب و سهم عنایت و توجه خود کافی نیست، بلکه خانواده و اهل را نیز باید به آن توجه داد (سلطان علی‌شاه، ۱۴۰۸، ج ۳: ۴۱). رهبر جامعه اسلامی نباید از خانواده خود غافل باشد. مرد نسبت به سرنوشت فکری و دینی خانواده خود مسئول است و تنها رعایت امور مادی آنان کافی نیست. همچنین یکی از مهم‌ترین زمینه‌های امر به معروف، خانواده و نزدیکان انسان است. دایره اهل هم به زن و فرزند منحصر نمی‌شود، بلکه همه افراد خاندان را شامل می‌شود. یک‌مدیر و مبلغ باید در مرحله‌ی اوّل به تبلیغ خانواده خود بپردازد؛ چرا که اوّلین مرحله تربیت، کانون خانواده است (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۵: ۴۱۳). دیگر اینکه، این

آیه نشان می‌دهد که نماز فقط یک عبادت فردی نیست، بلکه یک عمل اجتماعی است که این را از دو عبارت «امر» و «اصطبار» می‌توان فهمید (مدرسی، ۱۴۱۹، ج ۷: ۲۵۸).

ب) جمعی تشکیلاتی

در موارد مختلف که اوج آن را در شب عاشورا و امتحان اصحاب می‌توان دید که برجسته‌ترین نظارت آن بر اصحاب و ارزیابی و پالایش آنها در طول مسیر است و جمله محوری ایشان به حضرت زینب (س) در این مورد که آنها را بارها آزموده‌ام (شریفی و دیگران، ۱۳۸۳: ۴۶۰).

تحلیل قرآنی نظارت جمعی تشکیلاتی

در بحث نظارت جمعی تشکیلاتی این دو آیه را می‌توان مطمح نظر قرار داد:
 «فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» (هود/۱۱۲).
 «وَتَفَقَّدَ الطَّيْرَ فَقَالَ مَا لِيَ لَا أَرَى الْهَدْيَ أَمْ كَانَ مِنَ الْغَائِبِينَ * لَأُعَذِّبَنَّهُ عَذَابًا شَدِيدًا أَوْ لَأَذْبَحَنَّهُ أَوْ لِيَأْتِيَنِّي بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ * فَمَكَثَ غَيْرَ بَعِيدٍ فَقَالَ أَحَطْتُ بِمَا لَمْ تُحِطْ بِهِ وَجِئْتُكَ مِنْ سَبَإٍ بِنَبَأٍ يَقِينٍ» (النمل/ ۲۰-۲۲).

نکته‌ها و اشاره‌های تفسیری

حضرت سلیمان علیه السلام، ابتدا با تعجب از حال خود که چرا هدهد را در بین مرغان نمی‌بیند سؤال می‌کند، که «من چرا هدهد را نمی‌بینم؟» و می‌فهماند که گویا از او انتظار نمی‌رفت غیبت کند، و از امتثال فرمان او سر برتابد، در ادامه از این معنا صرف نظر کرده، فقط از غیبت او سؤال می‌کند و می‌پرسد «چرا غیبت کرده است؟» و معنای آیه این است که: مرا چه می‌شود که هدهد را میان مرغان که ملازم موکب من هستند نمی‌بینم؟ مگر او از غایبان است؟

«لَأُعَذِّبَنَّهُ عَذَابًا شَدِيدًا أَوْ لَأَذْبَحَنَّهُ أَوْ لِيَأْتِيَنِّي بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ» این سه «لامی» که بر سر سه کلمه در آیه آمده، لام قسم است و «بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ» به معنای دلیل قانع‌کننده و روشن

است، حضرت سلیمان در این گفتار خود، هدهد را محکوم می‌کند به یکی از سه‌کار، یا عذاب شدید یا ذبح شدن، - که در هر یک از آن دو بدبخت و بیچاره می‌شود - یا آوردن دلیلی قانع‌کننده تا خلاصی یابد (طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۱۵: ۳۵۵).

تحلیل مدیریتی

نظارت و کنترل بیرونی در حوزه تشکیلات در داستان حضرت سلیمان علیه السلام برجسته است که حتی در حضور و غیاب یک جلسه مدیریتی خود، حساسیت ویژه‌ای به خرج می‌دهد و سزای غیاب، مجازات سنگینی در حد اعدام است! فرمانده لشکر وقتی ببیند یکی از اعضای لشکر غیبت کرده است او را به این جرم سرزنش و مؤاخذه می‌کند؛ زیرا هریک از اعضا دارای شغل و عملی است که اگر بدون اجازه و جانشین غایب شود، کار لشکر مختل می‌شود، شاید غیبت یکی از اعضای لشکر سبب هلاکت همه‌ی لشکر گردد (سلطان علی شاه، ۱۴۰۸، ج ۳: ۱۷۰). در مورد این تعبیر که ابتدا فرمود: «من او را نمی‌بینم» و سپس افزود «یا اینکه او از غائبان است»، ممکن است اشاره به این باشد که آیا او بدون عذر موجهی حضور ندارد یا با عذر موجهی غیبت کرده است؟ در هر صورت، یک حکومت سازمان‌یافته و منظم و پرتوان، چاره‌ای ندارد جز اینکه تمام فعل و انفعالاتی را که در محیط کشور و قلمرو او واقع می‌شود، زیر نظر بگیرد، و حتی بود و نبود یک‌پرنده، یک‌مأمور عادی را از نظر دور ندارد، و این یک درس بزرگ است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۵: ۴۴۱).

ج) حاکمیتی

در موارد مختلف که اوج آن را در مصادره اموال تجاری که به سمت یزید حرکت کرده بود، می‌توان دید. آنچه در کتب تاریخ آمده است، مصادره اموال کاروان تجاری یزید یک‌بار توسط امام حسین علیه السلام انجام گرفت و آن در مسیر راه عراق بود که کاروانی تجارتی از یمن به سوی شام می‌رفت و برای یزید، اجناس قیمتی می‌برد. وقتی امام حسین علیه السلام در منزلگاه تنعیم به آن کاروان برخورد کرد، کالاهای آن را مصادره کرد تا راه

برای وابستگان به یزید، ناامن شود. به افراد کاروان هم فرمود: هرکس بخواهد با ما به عراق بیاید، کرایه کاملش را خواهیم داد و با او رفتار خوب خواهیم داشت و هرکس هم بخواهد جدا شود، کرایه اش را تا اینجا می پردازیم. برخی جدا شدند، بعضی هم همراه امام آمدند. حضرت با این شیوه هم ضربه اقتصادی به حکومت یزید زد و هم از افراد دشمن، جذب نیرو کرد (تاریخ طبری، ج ۵: ۳۸۵؛ الکامل فی التاریخ، ابن اثیر، ج ۲: ۵۴۷، انساب الاشراف، ج ۳: ۳۷۵؛ اخبار الطوال، ۲۴۵؛ البدایه و النهایه، ج ۸: ۱۶۶ و دیگران به نقل از محمدی ری شهری، ۱۳۸۸، ج ۱: ۶۱۲-۶۱۳). البته در کتبی همانند ارشاد سخنی از مصادره اموال نیست و فقط آمده است که امام در منزل تنعیم شتران این کاروان را اجاره کرده بود. (مفید، ۱۴۱۳، ج ۲: ۶۸).

اما، درباره دلیل و حکمت این کار باید گفت که بعد از عهدشکنی معاویه در اعلام ولایت عهدی فرزندش یزید (که برخلاف مفاد صلح نامه امام حسن مجتبی و معاویه بود)، امام حسین علیه السلام حکومت یزید را نامشروع و وظیفه خود را مخالفت و قیام در برابر آن می دانست و از همان روزهای نخست حکومت یزید، حرکت اعتراضی خود را آغاز کردند و به مکه رفتند. بعد از اینکه مأموران یزید در صدد بودند با هتک حرمت مکه و بیت الله آن حضرت را به قتل برسانند، حج خود را ناتمام گذاشتند و مکه را به قصد عراق ترک کردند. در این زمان، مبارزه بین امام و مأموران مخفی یزید شروع شده بود. در منزل تنعیم که بعد از مکه در مسیر عراق قرار گرفته است، امام در راستای مبارزه خود دستور مصادره اموال کاروان یزید را صادر کردند و با این کار خود، عدم مشروعیت یزید را عملاً به همگان اعلام نمودند.

تحلیل قرآنی نظارت حاکمیتی

صریح ترین آیه ای که در حوزه نظارت حاکمیتی می توان به آن استناد نمود و ملاک و معیار نظارت حاکمیتی عصر حاضر قرار داد، آیه مبارکه ذیل است که می فرماید: «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (توبه/۱۰۳).

نکته‌ها و اشاره‌های تفسیری

آیه در ماه رمضان سال دوّم هجری در مدینه نازل شد و پیامبر ﷺ فرمودند: ندا دهند که خداوند، زکات را نیز همچون نماز واجب ساخت. پس از یک سال نیز فرمان داد که مسلمانان زکاتشان را بپردازند. (بحرانی، ۱۴۱۵، ج ۲: ۸۳۶؛ حویزی، ۱۴۱۵، ج ۲: ۲۵۹). در ادامه به دو قسمت از فلسفه اخلاقی و روانی و اجتماعی زکات اشاره کرده، می‌فرمایند «تو با این کار آنها را پاک می‌کنی و نمو می‌دهی» «تُطَهَّرُهُمْ وَ تُزَكِّيهِمْ بِهَا» آنها را از رذائل اخلاقی، از دنیا پرستی و بخل و امساک پاک می‌کنی؛ همچنین، مفسد و آلودگی‌هایی که در جامعه به‌خاطر فقر و فاصله طبقاتی و محرومیت گروهی از جامعه به‌وجود می‌آید با انجام این فریضه الهی برمی‌چینی، و صحنه اجتماع را از این آلودگی‌ها پاک می‌سازی. ضمناً همبستگی اجتماعی و نمو و پیشرفت اقتصادی در سایه این‌گونه برنامه‌ها تأمین می‌شود. بنابراین، حکم زکات هم «پاک‌کننده فرد و اجتماع» است و هم رشددهنده بذرهای فضیلت در افراد، و هم سبب پیشرفت جامعه، و این رساترین تعبیری است که درباره زکات می‌توان گفت: از یک سو آلودگی‌ها را می‌شوید و از سوی دیگر تکامل آفرین است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۸: ۱۱۸).

تحلیل مدیریتی

آیه در فضای نظارت و کنترل حاکمیتی است؛ چراکه یکی از وظایف حاکم اسلامی، گرفتن زکات از مردم است. دستور «خذ» (بگیر)، دلیل روشنی است که رئیس حکومت اسلامی می‌تواند زکات را از مردم بگیرد، نه اینکه منتظر بماند که اگر مایل بودند خودشان بپردازند و اگر نبودند نه (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۸: ۱۲۰). کوتاه سخن، خدا برای پیامبر به‌عنوان رئیس حکومت، این وظیفه را تشریح نموده است که لازمه آن، اشراف و نظارت حکومت است.

(د) همگانی

در موارد مختلف که اوج آن را در وصیت‌نامه ایشان و تأکید به‌اصلاح و امر به‌معروف و

نهی از منکر می‌توان دید:

امام حسین علیه السلام در وصیت‌نامه مشهورش که نزد برادرش محمدبن حنفیه در مدینه گذاشت، یکی از اهداف نهضت خویش را امر به معروف و نهی از منکر معرفی می‌کند و می‌فرماید: «...وَ أَنِّي لَمْ أُخْرِجْ أَشْبْرًا وَ لَا بَطْرًا وَ لَا مُفْسِدًا وَ لَا ظَالِمًا وَ إِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةِ جَدِّي صَ أَرِيدُ أَنْ أَمُرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهِيَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ أُسِيرَ بِسِيرَةِ جَدِّي وَ أَبِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۴: ۳۳۰).

تحلیل قرآنی نظارت همگانی

امر به معروف، پاسداشت نیکی‌های جامعه، و نهی از منکر وسیله پالایش مستمر جامعه از پلیدی‌هاست. از این رو، امر به معروف و نهی از منکر از فروع دین به‌شمار می‌آید. در قرآن کریم بارها بر آنها تأکید شده است و آن را واجب می‌شمارد:

«وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (آل عمران / ۱۰۴).

«كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَكَلِمَاتٍ آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِنْهُمْ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ» (آل عمران / ۱۱۰).

«يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَأُولَئِكَ مِنَ الصَّالِحِينَ» (آل عمران / ۱۱۴).

«وَ الْمُؤْمِنُونَ وَ الْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ يُطِيعُونَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» (توبه / ۷۱).

نکته‌ها و اشاره‌های تفسیری

قرآن بر مسئله امر به معروف و نهی از منکر تأکید ویژه‌ای دارد و آن را به‌عنوان یک‌وظیفه عمومی و همگانی ذکر می‌کند. نکته درخور توجه اینکه قرآن، مسلمانان را به‌عنوان بهترین «امتی» معرفی می‌کند که برای خدمت به جامعه انسانی بسیج شده است



و دلیل بهترین امت بودن آنها این ذکر شده که «امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند و ایمان به خدا دارند» و این برای اقامه یک اجتماع صالح ضروری است. همچنین توجه می‌دهد که اصلاح جامعه بشری بدون ایمان و دعوت به حق و مبارزه با فساد ممکن نیست و ضمناً از آن استفاده می‌شود که این دو وظیفه بزرگ با وسعتی که در اسلام دارد در ادیان گذشته نبوده است (قطب، ۱۴۲۵، ج ۱: ۴۴۷، مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۳: ۴۸). به تعبیر علامه طباطبائی، این اصل از لوازم و واجبات اجتماع معتصم به حبل الله است (طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۳: ۳۷۲).

تحلیل مدیریتی

مسئله «امر به معروف» و «نهی از منکر» در حقیقت، به منزله یک پوشش اجتماعی برای محافظت جمعیت است؛ زیرا اگر مسئله امر به معروف و نهی از منکر در میان نباشد، عوامل مختلفی که دشمن بقای «وحدت اجتماعی» هستند، همچون موریانه از درون، ریشه‌های اجتماع را می‌خورند، و آن را از هم متلاشی می‌سازند؛ بنابراین حفظ وحدت اجتماعی بدون نظارت عمومی ممکن نیست.

امام حسین (ع) در نهضت خویش، به دنبال اجرای دستور قرآنی امر به معروف و نهی از منکر بود.

در فقه اسلامی برای انجام امر به معروف و نهی از منکر مراحل بر شمرده‌اند که آنها عبارت‌اند از؛

۱. انکار قلبی: یعنی کسی که کار ناپسندی را شناخت و ملاحظه کرد که کسی آن را انجام می‌دهد در قلب خویش از آن مطلب ناراحت شود؛ البته در این صورت به طور معمول آثار آن در چهره فرد آشکار می‌شود.

۲. انکار با زبان: یعنی مؤمن هنگامی که کار ناپسندی را مشاهده کند با زبان و کلام بر سر افراد فاسد می‌کوبد؛ البته اول با زبان نرم و استدلالی و مخفیانه به فسادگران نصیحت کند و اگر تأثیر نکرد، فریاد کشد.

۳. اقدام عملی: یعنی جلوگیری عملی از منکرات به وسیله مانع‌تراشی و جلوگیری از

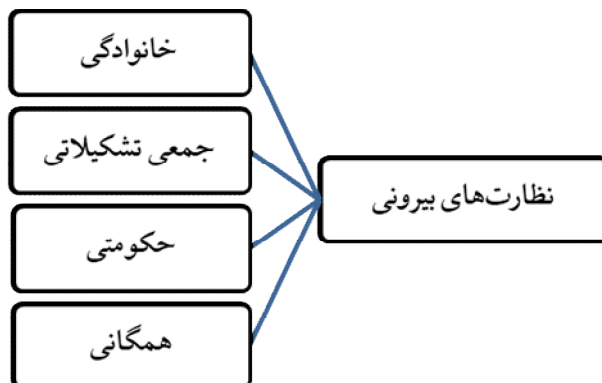
اقدام فسادگران مرحله بعدی نهی از منکر است.

۴. اقدام به زدن یا کشتن (جنگ): این آخرین مرحله امر به معروف است و وقتی اجرا می شود که مراحل قبلی تأثیری نکند. البته این مرحله در حوزه اختیارات امام علیه السلام و ولایت امر مسلمین است و هرکس بخواهد آن را انجام دهد، لازم است از حاکم شرع اجازه بگیرد (نک: موسوی خمینی، ۱۳۷۹، و نیز رساله های عملیه مراجع تقلید، باب امر به معروف و نهی از منکر). قیام امام حسین علیه السلام نیز بر همین پایه بود؛ یعنی در حقیقت، امام حسین علیه السلام یک برنامه سیاسی و عملی مبارزه با طاغوت را در چارچوب نهی از منکر ارائه کرد و همان طور که در مراحل مبارزه بیان کردیم، نخست کارگزاران حکومت را نصیحت کرد، سپس اقدام به مبارزه مسلحانه کرد و همه این ها در چارچوب نهی از منکر بود (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۶: ۳۹).

راهبرد نظارت همگانی برجسته ترین نوع نظارت بیرونی

در اسلام نظارت و کنترل، صرفاً در چارچوب وظایف دولت و حکومت در اسلام خلاصه نمی شود، بلکه تمام افراد جامعه موظف هستند بر اساس یک تکلیف شرعی، مانند نماز و روزه بر امور اجتماعی و رفتارهای افراد جامعه نظارت عمومی و همگانی داشته باشند (عباس نژاد و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۲۳). این موضوع، یکی از برجسته ترین و به تعبیر بهتر، برجسته ترین نوع نظارت بیرونی است که از آن به «امر به معروف و نهی از منکر» تعبیر می کنند. اصلی که به تعبیر علامه طباطبائی در المیزان، مجتمع صالحی که علمی نافع و عملی صالح داشته باشد، علم و تمدن خود را با تمام نیرو حفظ می نماید (نک: طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۳: ۳۷۲).





نظارت‌های بیرونی در مدیریت امام حسین علیه السلام در یک‌نگاه (یافته‌های تحقیق)

راهبرد نظارت خودکنترل در کربلا و نمونه‌های آن

در کنار این راهبرد نظارت بیرونی، راهبرد دیگری نیز در سیره مدیریتی امام حسین علیه السلام دیده می‌شود و آن، راهبرد نظارت خودکنترل است. الگوهای حسینی در اکثر موارد، وجدان فرد را با انتخاب درگیر می‌کند و او را در تصمیم به‌خود شخص واگذار می‌کند و این مهم‌ترین عاملی است که باعث ایجاد یک‌خودکنترلی قوی می‌شود. در سیره مدیریتی امام حسین علیه السلام این نکته قابل توجه است که ایشان به‌جای تکیه بیش از حد به شیوه‌های بیرونی، به تقویت گفت‌وگوی درونی پیروان با درون خود نیز توجه دارند (علوی، ۱۴۰۱: ۲۹۵).

الگوی گذار به‌درون (جایگاه مدیریت بر خویشتن در فرایند تصمیم‌گیری)	
توضیح: ایجاد یک‌فضای مقدماتی در بحث و بیان استدلال و سرانجام رهاکردن مخاطب با خویشتن وجدان خویش	
سند شاخص	راهکار مواجهه و بیان کد
یا نفسٍ مِنْ بَعْدِ الْحُسَيْنِ هُوَ نِي مِنْ بَعْدِهِ لَا كُنْتَ أَنْ تَكُونِي	گفت‌وگوی با خویشتن شکل‌گیری حالت ذهنی بهتر برای مواجهه با دشمن
...أَمَّا بَعْدُ فَأَنْسِبُونِي فَأَنْظُرُوا مَنْ أَنَا ثُمَّ ارْجِعُوا إِلَيَّ أَنْفُسِكُمْ...	معرفی کامل خود واگذاری به‌خود شخص برای قضاوت

	<p>درگیر کردن شخص با خود برای رسیدن به تصمیم</p>
<p>وَيَلِكُمْ يَا شَيْعَةَ آلِ أَبِي سُفْيَانَ إِن لَّمْ يَكُنْ لَكُمْ دِينٌ وَكُنْتُمْ لَا تَخَافُونَ الْعَمَادَ فَكُونُوا أحراراً فِي دُنْيَاكُمْ هَذِهِ وَارْجِعُوا إِلَىٰ أَحْسَابِكُمْ إِن كُنْتُمْ عَرَباً كَمَا تَزْعُمُونَ</p>	<p>توجه و درنگ در مفهوم آزادگی به عنوان مقوله‌ای اثرگذار و در عین حال فرادینی تذکر این مفهوم در شرایط حساس به عنوان عاملی قابل استفاده حتی برای بی‌دینان و بهره‌گیری آن در حوزه تصمیم‌گیری فردی برای خویشتن (تمرکز بر مفاهیم درونی مثل آزادگی) داشتن امید حتی در بحرانی‌ترین و حساس‌ترین شرایط برای تغییر</p>
<p>أَنِّي وَاللَّهِ خَيْرٌ نَفْسِي بَيْنَ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ؛ فَوَاللَّهِ لَا أَخْتَارُ عَلَى الْجَنَّةِ شَيْئاً وَ لَوْ قَطَعْتَ وَ حَرَقْتَ.</p>	<p>تفکر در آینده امور ایجاد و خلق فضایی برای عنایت به امور بعد از دنیا در جهت اصلاح امور دنیا تذکر و تلنگر به خویش در مواقع سرنوشت‌ساز</p>
<p>إِنَّا أَهْلُ بَيْتِ النَّبِيِّ وَ مَعْدِنُ الرِّسَالَةِ وَ مُخْتَلَفُ الْمَلَائِكَةِ وَ بِنَا فَتَحَ اللَّهُ وَ بِنَا خَتَمَ اللَّهُ وَ بَزِيدُ رَجُلٍ فَاسِقٌ شَارِبُ الْخَمْرِ قَاتِلُ النَّفْسِ الْمُحَرَّمَةِ مُعَلِنٌ بِالْفِسْقِ وَ مِثْلِي لَا يَبِيعُ بِمِثْلِهِ وَ لَكِنْ نُصِيحٌ وَ تُصَبِّحُونَ وَ نَنْظُرُ وَ تَنْظُرُونَ أَيْنَا أَحَقُّ بِالْخِلَافَةِ وَ الْبَيْعَةِ ثُمَّ خَرَجَ ع</p>	<p>ایجاد یک فضای مقدماتی در بحث و بیان استدلال و سرانجام رها کردن مخاطب با خویشتن وجدان خویش نمایش تعارض امام و یزید و رساندن شخص به «وَ مِثْلِي لَا يَبِيعُ بِمِثْلِهِ»</p>

نظارت درونی در قرآن

مقدمه کنترل درونی، فهم معنای «حضور» است. داستان حضرت نوح علیه السلام بهترین نمونه برای فهم این موضوع است. آنجا که خدا از او می‌خواهد کشتی را در حضور ما و زیر نگاه ما بساز:

«وَاصْنَعِ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا وَوَحْيِنَا وَكَأ تَخَاطِبُنِي فِي الَّذِينَ ظَلَمُوا إِنَّهُمْ مُّعْرِضُونَ» (هود/۳۷)؛
 «فَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِ أَنْ اصْنَعِ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا» (المؤمنون/۲۷)؛ «تَجْرِي بِأَعْيُنِنَا جَزَاءً لِمَنْ كَانَ كُفِرًا»

(القمر/ ۱۴)؛ و این دلداری را خدا به پیامبر آخرینش هم دارد که: «...فَأَنْتَ بِأَعْيُنِنَا...»؛ «وَأَصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ فَإِنَّكَ بِأَعْيُنِنَا وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ حِينَ تَقُومُ» (الطور/ ۱۴)؛ تذکرهاى مختلفى براى توجه به این حقیقت وجود دارد مانند: «أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ سِرَّهُمْ وَنَجْوَاهُمْ وَأَنَّ اللَّهَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ» (التوبه/ ۷۸)؛ «أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَبْصُرُ مَا فِي سُرَّتِهِمْ إِذْ رَجَعْتُمْ إِلَيْهِمْ قُلْ لَا تَعْتَدِرُوا لَنْ نُؤْمِنَ لَكُمْ قَدْ نَبَأْنَا اللَّهَ مِنْ أَخْبَارِكُمْ وَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ ثُمَّ تُرَدُّونَ إِلَىٰ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» (التوبه/ ۹۴)؛ «وَقُلْ اَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ وَ...» (التوبه/ ۱۰۵).

شبکه‌ای از آیات یادشده، دال بر نظارت مستقیم رحمانی است که باور به این رهنمودهای حیات‌بخش خودکنترلی و نهادینه‌سازی آن را به‌همراه خواهد داشت.

نظارت و کنترل درونی در داستان حضرت طالوت برجسته است که آنها را با یک‌نهر آب آزمایش می‌کند: «فَلَمَّا فَصَلَ طَالُوتُ بِالْجُنُودِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهَرٍ فَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّي وَمَنْ لَمْ يَطْعَمْهُ فَإِنَّهُ مِنِّي إِلَّا مَنِ اغْتَرَفَ غُرْفَةً بِيَدِهِ فَشَرِبُوا مِنْهُ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْهُمْ» (بقره/ ۲۴۹).

«...فَأَنْتَ بِأَعْيُنِنَا...» در ماجرای حضرت علی اصغر

فهم حضور لازمه رسیدن به موفقیت، در نظارت و کنترل درونی است. «...فَأَنْتَ بِأَعْيُنِنَا...»ی در کربلا را باید در مصیبت سنگین حضرت علی اصغر جست‌وجو نمود که حتی خدا به ایشان تسلیت می‌دهد: «هُوَ عَلَىٰ مَا نَزَلَ بِى أَنَّهُ بَعِثَ اللَّهُ» (ابن طاووس، ۱۳۴۸، ص: ۱۱۷) (این آسان است چون در مقابل چشم خداست) و منطق قرآنی «...فَأَنْتَ بِأَعْيُنِنَا...» را در «هُوَ عَلَىٰ مَا نَزَلَ بِى أَنَّهُ بَعِثَ اللَّهُ» باید دید.

تحلیل قرآنی «ثُمَّ ارْجِعُوا إِلَىٰ أَنْفُسِكُمْ...» امام حسین (ع)

نمونه بارز قرآنی سخن «ثُمَّ ارْجِعُوا إِلَىٰ أَنْفُسِكُمْ...» (مفید، ۱۴۱۳، ج ۲: ۹۷) و تحلیل قرآنی آن را در قرآن می‌توان دید. نمونه برجسته آن، ماجرای حضرت ابراهیم است. آنجا که با «فَرَجِعُوا إِلَىٰ أَنْفُسِهِمْ» آنها را با وجدانشان درگیر می‌کند: «قَالُوا أَأَنْتَ فَعَلْتَ

هَذَا بِالْهَيْتَانَا يَا إِبْرَاهِيمُ * قَالَ بَلْ فَعَلَهُ كَبِيرُهُمْ هَذَا فَاسْأَلُوهُمْ إِنْ كَانُوا يَنْطُقُونَ * فَرَجَعُوا إِلَيَّ أَنفُسِهِمْ فَقَالُوا إِنَّكُمْ أَنْتُمُ الظَّالِمُونَ» (الانبیاء/ ۶۲-۶۴).

عرصه	نوع	سطح	نمونه سیره مدیریتی	تحلیل قرآنی مدیریت
کنترل و نظارت	بیرونی	خانوادگی	نظارت ویژه به خانواده و اهل بیت و خیامشان در گودال قتلگاه است. به تعبیر زیارت ناحیه مقدسه: «تَدِيرُ طَرَفًا خَفِيًّا إِلَى رَحْلِكَ وَ نَيْتِكَ».	«وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا لَا نَسْأَلُكَ رِزْقًا نَحْنُ نَرْزُقُكَ وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى» (طه/۱۳۲).
		جمعی تشکیلاتی	ارزیابی و پالایش اصحاب در طول مسیر	«فَاسْتَقِمْ كَمَا أَمَرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْفَعُوا إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» (هود/۱۱۲). «وَتَفَقَّدَ الطَّيْرَ فَقَالَ مَا لِيَ لَا أَرَى الْهَلْهَلَّ أَمْ كَانَ مِنَ الْغَائِبِينَ * أَلْأَعْدَابُ عَذَابًا شَدِيدًا أَوْ لَأَذْبَحُهُنَّ أَوْ لِيَأْتِيَنَّ بِسُلْطَانٍ مُبِينٍ * فَمَكَثَ غَيْرَ بَعِيدٍ فَقَالَ أَحَطْتُ بِمَا لَمْ تُحِطُ بِهِ وَجَنَّتِكَ مِنْ سَنَابِلِ بَنِي إِسْرَائِيلَ» (النمل/ ۲۰-۲۲)
		حاکمیتی	مصادره اموال تجاری که به سمت یزید حرکت کرده بود	«خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (التوبه/۱۰۳).



<p>«وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (آل عمران/۱۰۴).</p> <p>«كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (آل عمران/۱۱۰).</p> <p>«يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَأُولَئِكَ مِنَ الصَّالِحِينَ» (آل عمران/۱۱۴).</p> <p>«وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيَطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» (التوبة/ ۷۱).</p>	<p>امر به معروف و نهی از منکر، به ویژه تأکید در وصیت نامه شان: «...أريدك أن أمر بالمعروف و أنهى عن المنكر و أسير بسيرة جدتي و أبي علي بن أبي طالب».</p>	<p>همگانی</p>		
<p>«وَاصْنَعِ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا وَوَحِّينَا وَوَلَّا تُخَاطِبُنِي فِي الَّذِينَ ظَلَمُوا إِنَّهُمْ مُعْرِقُونَ» (هود/ ۳۷).</p> <p>«تَجْرِي بِأَعْيُنِنَا جَزَاءَ لِمَنْ كَانَ كُفِرًا» (القمر/ ۱۴).</p> <p>«وَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ فَإِنَّكَ بِأَعْيُنِنَا وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ حِينَ تَقُومُ» (الطور/ ۴۸).</p> <p>«قَالُوا أَأَنْتَ فَعَلْتَ هَذَا بِالْهَيْتِنَا يَا إِبْرَاهِيمُ؟» قَالَ بَلْ فَعَلَهُ كَبِيرُهُمْ هَذَا فَاسْتَأْذَنُواهُمْ إِنْ كَانُوا يَنْطِقُونَ» فَارْجِعُوا إِلَى أَنْفُسِكُمْ...»</p> <p>«الطَّالِمُونَ» (الانبياء/ ۶۲-۶۴).</p>	<p>خودکنترلی در مصیبت حضرت علی اصغر: «هَوِّنْ عَلَيَّ مَا نَزَلَ بِي أَنَّهُ بَعِثَ اللَّهُ».</p> <p>آنجا که امام آنها را با وجدانشان درگیر می کند: «...أَمَا بَعْدُ فَأَنْسِبُونِي فَأَنْظَرُوا مَنْ أَنَا أَنَا ثُمَّ ارْجِعُوا إِلَى أَنْفُسِكُمْ...».</p>	<p>درونی</p>		

نتیجه

در سیره مدیریتی امام حسین علیه السلام، توجه به دوعرصه نظارت و کنترل دیده می‌شود؛ یعنی هم توجه به نظارت بیرونی و هم توجه به نظارت درونی. از نظارت مستقیم در شب عاشورا و بررسی میدان (داستان نافع بن هلال) و آزمون نیروها تا توجه به درونی‌ترین عرصه‌های کنترل و نظارت. بر اساس شیوه مدیریتی امام حسین علیه السلام مشخص شد که نظارت‌های بیرونی در مدیریت ایشان را می‌توان به چهار دسته تقسیم کرد: خانوادگی، جمعی تشکیلاتی، حاکمیتی و همگانی.

نظارت‌های بیرونی از نظارت خانوادگی آغاز می‌شود که در کربلا و حتی در ظهر عاشورا نیز حضور دارد و خدا نیز در قرآن به این نظارت تأکید ویژه‌ای دارد. نظارت جمعی تشکیلاتی، لازمه بقای یک مجموعه است. در مسیر کربلا این پالایش و رصد دائمی دیده می‌شود.

نظارت حاکمیتی نیز در کربلا دیده می‌شود. امام به‌عنوان حاکم، اموال تجاری کاروان یزید را مصادره می‌کند. این همان وظیفه و شأنی است که خدای متعال در قرآن از پیامبر صلی الله علیه و آله به‌عنوان حاکم اسلامی طلب می‌کند که «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً...». نظارت همگانی در کربلا نیز در عالی‌ترین نوع خود دیده می‌شود، تا حدی که محوری‌ترین جمله وصیت‌نامه امام حسین علیه السلام به آن اختصاص دارد و آیات متعددی نیز بر ضرورت آن وجود دارد.

فهم حضور لازمه رسیدن به موفقیت در نظارت و کنترل درونی است. داستان حضرت نوح بهترین نمونه برای فهم این موضوع است. آنجا که خدا از او می‌خواهد کشتی را در حضور ما و زیر نگاه ما بسازد. منطبق قرآنی «...فَأَيْنَكَ بِأَعْيُنِنَا...»ی ماجرای حضرت نوح را در کربلا باید در مصیبت سنگین حضرت علی اصغر جست‌وجو نمود که حتی خدا به ایشان تسلیت می‌دهد: «هَوِّنْ عَلَيَّ مَا نَزَلَ بِئِي أَنَّهُ بَعَيْنِ اللَّهِ». نمونه بارز قرآنی سخن «ثُمَّ ارْجِعُوا إِلَىٰ أَنْفُسِكُمْ...» در کربلا، ماجرای حضرت ابراهیم علیه السلام است. آنجا که با «فَرَجِعُوا إِلَىٰ أَنْفُسِهِمْ» آنها را با وجدانشان درگیر می‌کند.

منابع

- قرآن.
- ابن طاووس، علی بن موسی (۱۳۴۸)، *اللهوف علی قتلی الطفوف*، مترجم احمد فهری زنجانی، تهران، جهان.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۴۰۷ق)، *البدایه و النهایه*، بیروت، دارالفکر.
- ابن مشهدی، محمد بن جعفر (۱۴۱۹ق)، *المزار الکبیر (لابن المشهدی)*، محقق و مصحح جواد قیومی اصفهانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ابو مخنف کوفی، لوط بن یحیی (۱۴۱۷ق)، *وقعة الطف*، محقق و مصحح محمدهادی یوسفی غروی، قم، جامعه مدرسین.
- الوانی، سید مهدی (۱۳۸۵)، *مدیریت عمومی*، تهران، نشر نی.
- آخوند خراسانی، محمد کاظم (۱۴۳۱ق)، *کفایه الاصول*، محقق مجتبی محمودی، قم، مجمع الفکر الاسلامی.
- بحرانی، هاشم بن سلیمان (۱۴۱۵ق)، *البرهان فی تفسیر القرآن*، تحقیق و تصحیح بنیاد بعثت، واحد تحقیقات اسلامی، قم، مؤسسه البعثه، قسم الدراسات الإسلامیه.
- توکلی، عبدالله (۱۳۸۳)، *اصول و مبانی مدیریت*، تهران، انتشارات زمزم هدایت.
- حویزی، عبدعلی بن جمعه (۱۴۱۵ق)، *تفسیر نور الثقلین*، تحقیق و تصحیح هاشم رسولی، قم، اسماعیلیان.
- خوئی، سید ابوالقاسم (بی تا)، *التنقیح فی شرح العروه الوثقی*، قم، مؤسسه احیاء آثار الامام الخوئی.
- رابینز، استیفن پی و دیوید ای دی سنزو (۱۳۸۷)، *مبانی مدیریت*، ترجمه سید محمد اعرابی و همکاران، تهران، دفتر پژوهش های فرهنگی.
- رضایی اصفهانی، محمد علی (۱۳۹۶)، *قرآن و امام حسین علیه السلام*، امام حسین علیه السلام و قرآن، قم، دارالمبلغین.
- رضاییان، علی (۱۳۸۰)، *مبانی سازمان و مدیریت*، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت).
- رضاییان، علی (۱۳۸۳)، *اصول مدیریت*، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت).
- رضاییان، علی (۱۳۹۰)، *مبانی و رویکردهای مدیریت خویشتن (رفتار سازمانی پیشرفته)*،

- تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- سلطان علی‌شاه، سلطان محمدبن حیدر (۱۴۰۸ق)، بیان السعاده فی مقامات العباد، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۹۰ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- طبرسی، فضل‌بن حسن (۱۴۱۲ق)، تفسیر جوامع الجامع، تحقیق و تصحیح ابوالقاسم گرجی، قم، حوزه علمیه قم مرکز مدیریت.
- طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵)، مجمع البحرین، تهران، مرتضوی.
- عباس‌نژاد، محسن و دیگران (۱۳۹۰)، قرآن، مدیریت و علوم سیاسی، با همکاری حبیب‌الله دعایی و... تهیه‌شده در مرکز اطلاع رسانی و کتابخانه تخصصی قرآن و علوم روز (وابسته به بنیاد پژوهش‌های قرآنی حوزه و دانشگاه)، مشهد، بنیاد پژوهش‌های قرآنی حوزه و دانشگاه.
- علوی، سیدعلی‌اصغر (۱۴۰۱)، مبانی مدیریت عاشورایی (روش‌شناسی و رویکردها)، تهران، سدید.
- قرائتی، محسن (۱۳۸۸)، تفسیر نور، تهران، مؤسسه فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- قطب، سید (۱۴۲۵ق)، فی ظلال القرآن، بیروت، دار الشروق.
- قوامی، سیدمصمصام‌الدین (۱۳۹۳)، تفسیر موضوعی قرآن کریم: دانش مدیریت در قرآن، تدوین نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، معاونت پژوهشی دانشگاه معارف اسلامی، قم، نشر معارف.
- کوشکی، نظر علی (۱۳۸۱)، «درآمدی بر الگوهای مدیریتی امام حسین علیه‌السلام». فصلنامه مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، ش ۴.
- گروه حدیث پژوهشکده باقرالعلوم، شریفی، محمود و دیگران (۱۳۸۳)، فرهنگ جامع سخنان امام حسین: ترجمه همراه متن عربی موسوعه کلمات الامام الحسین، ترجمه علی مویدی، قم، نشر معروف.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، بحارالانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۸)، دانشنامه امام حسین بر پایه قرآن، حدیث و تاریخ، قم، دارالحدیث.
- مدرسی، محمدتقی (۱۴۱۹ق)، من هدی القرآن، تهران، دار محبب الحسین.
- مفید، محمدبن محمد (۱۴۱۳ق)، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، تحقیق و تصحیح مؤسسه آل‌البتیت علیه‌السلام، قم، کنگره شیخ مفید.

- مقیمی، سیدمحمد (۱۳۹۴)، اصول و مبانی مدیریت از دیدگاه اسلام، تهران، راه‌دان.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱)، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الإسلامیة.
- موسوی خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۷۹)، تحریر الوسیلة، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار الإمام الخمینی قدس سره.
- میرکمالی، سیدمحمد (۱۳۹۲)، فلسفه مدیریت، تهران، یسپرون.

